



# کتاب هوشع نبی

Hosea

## تفسیر کتاب مقدس برای ایمانداران

نوشته

ویلیام مک دونالد

[www.muhammadanism.org](http://www.muhammadanism.org)

May 21, 2008

Farsi

این کتاب تفسیری به منظور درک مفاهیم موجود در کتاب مقدس به رشته تحریر در آمده است. در شیوهی نگارش این کتاب سعی بر آن بوده است که از اصول صحیح فن تفسیر بهره جسته و ضمن وفادار بودن به اصول تفسیر همچنان متنی ساده و روان را ارائه نماید. بنابراین، کتاب حاضر انتخاب شایسته ای خواهد بود برای مطالعات انفرادی و گروهی کتاب مقدس.

## Believer's Bible Commentary

by

William MacDonald

This is a Bible commentary that makes the riches of God's Word clear and easy for you to understand. It is written in a warm, reverent, and devout and scholarly style. It is a good choice for your personal devotions and Bible study.

© 1995 by William MacDonald., *Believer's Bible Commentary*,  
Thomas Nelson Publishers, Nashville, TN, pp. 2383.

— All Rights Reserved —



# معرفی

«ما در کتاب هوشع نبی شاهد قوی‌ترین مکاشفات در رابطه با ماهیت گناه می‌باشیم. این کتاب واضح‌ترین تفسیر از قدرت محبت خدایی است. هیچ کس نمی‌تواند رساله هوشع نبی را بخواند، بی‌آنکه در دل خود احساس غم و اندوه نکرده باشد. این رساله انسان را به بیکرانگی و شناخت این مهم می‌رساند که گناه دل خدا را می‌آزارد.»

— جی کمپل مورگان (G. Campbell Morgan)

## ۱. جایگاه منحصر به فرد رساله هوشع در کانون

کتاب هوشع نبی در عین حال که به صورت کتاب داستانی نیست، ولی حاوی یک داستان است که در متن آن تنیده شده است. خلاصه داستان اینست که هوشع با جومر ازدواج می‌کند و او برای هوشع سه فرزند به دنیا می‌آورد. اولی پسری است به اسم یزرعیل، دومی دختری است به اسم لوروحامه و سومی پسری است به اسم لوعمی. جومر زنی بی‌ایمان است ولی علیرغم بی‌ایمانیش هوشع به شدت به او عشق می‌ورزد و او را از اسارت بردگی و خفت می‌رهاند.

ترجمه متداول آیه دوم از فصل اول رساله هوشع می‌گوید که خدا ظاهراً به هوشع فرمان می‌دهد تا زنی فاحشه را به زنی بگیرد.

بسیاری از خوانندگان کتاب مقدس در اینجا ناظر یک مورد غیراخلاقی می‌باشند. آیا خدای مقدس از یکی از انبیائش تقاضا می‌کند «زنی زانیه» را بگیرد؟ و آیا از نظر اخلاقی پذیرش چنین تقاضایی توسط یک نبی درست است؟ برای پاسخ به این ابهامات حداقل سه راه حل پیشنهاد شده است:

۱- دیدگاه اول اینست که این داستان تمثیلی است به جهت تشریح محبت خدا نسبت به اسرائیل گناهکار و نباید آن را واقعی تلقی نمود. به هر حال سبکی قصه‌گونه است همانند آیه سوم از فصل هفتم صحیفه اشعیاء و آیه یازدهم از فصل سیزدهم صحیفه ارمیاء که حاوی فرامین خدا هستند به انبیاء خودش و هیچ کس آنها را تمثیل صرف تصور نمی‌کند. واقعیت نهفته در این داستان همانا تشریح محبت خدا نسبت به اسرائیل گناهکار است و نه صرفاً یک داستان.

۲- دیدگاه دوم می‌گوید که درست است. خدا چنین فرمانی به هوشع داده است و او هم اطاعت کرده است. ظاهر امر اینست که قرائت درست هم همین باشد. در این حالت مراد نجات و توجیه تجارب اندوهباری است که هوشع تجربه کرده بود. عکس این دیدگاه این حقیقت است که اگر جومر قبل از ازدواجش زانیه بوده است، گویای سیمای حقیرانه‌ای از اسرائیل بوده است.

۳- راه حل سوم می‌گوید که هوشع با يك زن نجیب ازدواج کرده است که بعداً زانیه شده است. این دیدگاه بخوبی در نوع ارتباط یهوه با عروس بی‌ایمانش، اسرائیل در ارتباط بین نبی و همسرش، می‌گنجد و همچنین بخوبی با ایده‌های عالی نبی (و کتاب مقدس) در رابطه با ازدواج سازگار است. کسانی که این دیدگاه را دارند غالباً در فهم رنج و اندوه هوشع در اثر این ازدواج شکست خورده در صورتی که جوهر از ابتدا زانیه بوده است، دچار مشکل می‌شوند.

بحثی قوی بر علیه این دیدگاه اینست که آیه دوم فصل اول کتاب هوشع حاکی از اینست که از همان ابتدا خدا به هوشع حکم می‌کند که «زنی زانیه» را بگیرد!

شاید مخالفت ما با ازدواج با يك زن فاسد، تصویر گویاتری از فیض خدا در آشکارسازی گناه اسرائیل (و کلیسا) باشد در حالی که می‌دانیم او بسی مقدس‌تر از هر نبی و هر واعظی می‌توانسته است، باشد.

هر دیدگاهی را که در نظر بگیریم داستانی که در پشت این نبوت نهفته است تصویر روشنی است از این واقعیت که صرفاً از طریق کلمات قابل انتقال نیست و آن فیض خدا نسبت به اسرائیل است که در مورد تمام گناهکارانی که از راه‌های شریرانه خود برمی‌گردند و به آغوش پرمهر خدای محبت پناه می‌برند، مصداق پیدا می‌کند.

## ۲. نویسنده

هوشع پسر بئیری بود. معنی نام او «نجات» است. و در اساس همان نام جاشوا یا عیسی در شکل یونانی است. هوشع مطابق نامش در رابطه با نجات یهوه در هنگام بازگشت مسیح و استقرار ملکوتش، نبوت نمود. هوشع عمدتاً نبی‌ای برای قوم اسرائیل بود، ولی بخش‌هایی در رساله‌اش هست که بازتاب علائق یهودیه نیز می‌باشد.

## ۳. تاریخ

هوشع هم زمان با پادشاهی یربعام دوم پسر یوآش بر اسرائیل و پادشاهی عزّیا، یوتام، آحاز بر یهودیه، نبوت می‌کرده است که این خود چندین دهه را در قرن هفتم قبل از میلاد دربرمی‌گیرد. مورخین دوران رسالت هوشع را بین ۷۵۳ قبل از میلاد تا سقوط سامره در سال ۷۲۲ قبل از میلاد تخمین زده‌اند.

## ۴. پیشینه و زمینه

هوشع تسخیر حکومت شمالی را به دست آشوریان و سقوط سامره را پیشگویی کرد.

وقتي جومر هوشع را ترك كرد تا در شرم و گناه خود غرق شود، خداوند هوشع را فرمان داد بار ديگر جومر را از بازار بردهفروشان خريداري كند و او را متبارك سازد. هدف كلي اين داستان مطمئناً نشان دادن تصويري از ارتباط خدا با اسرائيل (همچنين مسمي به افرام، يعقوب و سامره) مي باشد.

قوم اسرائيل بي ايمان و بت پرست بودند و در شرارت اخلاقي زندگي مي كردند و سال هاي بسياري بدون پادشاه، بدون مراسم قرباني زندگي مي كردند. اين بود وضعيت آنان.

اما به هر حال آنگاه كه قوم با توبه و پشيماني به سوي خداوند رو آورند، خداوند بر آنان رحمت خواهد آورد. افرام براي هميشه از بت پرستي و ارتدادش شفا خواهد يافت و به سوي خدا باز خواهد گشت.

هنري جمن (Henry Gehman) مي نويسد:

هوشع مهر و محبت بي پايان خدا را آنچنان مي نماياند كه هيچ يك از گناهان انسان نمي تواند مانع و بازدارنده آن محبت باشد. انديشه كلي پيام هوشع اينست كه محبت قدرتمند و خاموش نشدني خدا براي اسرائيل، فرو نخواهد نشست تا تمامي اسرائيل را با خودش هماهنگ نمايد. آنچنانكه كه جي. سي مورگان (Morgan) اشاره مي كند، در ماوراي اين تصوير، خدائي محبتي وجود دارد.

اوج هر يك از نبوت هاي هوشع اينست كه كساني كه با هوشع صميمي بودند خدا را خدائي مهربان با عطاوتي بي پايان مي دانستند. خشم خدا را ناشي از محبت و پيش گامي از نيت نهائي دل او مي پنداشتند. صدائي ضربان دردآلود قلب خدا در طي اين آيات شنيده مي شود.

## كليات

۱. مطرود شدن قوم توسط سه فرزند هوشع به تصوير كشيده شده است (۱:۱-۹)

۲. وعده احياء بني اسرائيل (۱:۱-۱۰ الي ۱:۲)

۳. افكار خدا بر عليه بي ايماني قوم اسرائيل و داوري اش (۲:۲-۱۳)

۴. پيش گوئي اسرائيل متبارك در آينده (۲:۱۴-۲۳)

۵. آمرزش همسر هوشع، نماد بازگشت نهائي به سوي يهوه (فصل سوم)

۶. تضاد خدا با مردمش (فصول ۴-۱۰)

الف - گناه انسانها (۴:۱-۶)

ب - گناه كاهنان (۴:۷-۱۱)

ج - بت پرستي مردم (۴:۱۲-۱۴)

د - درخواست خاص از يهودا (۴:۱۵-۱۹)

ح - رفتار شريرايه كاهنان، مردم و خانواده سلطنتي (۵:۱-۷)

و - داوري موعود اسرائيل و يهودا و نيّت خدا مبني بر منتظرماندن براي بازگشت آنان (۵: ۸-۱۵)

ز - درخواست از اسرائيل براي توبه (۶: ۱-۳)

ح - گناهكاري اسرائيل و يهودا (۶: ۴-۱۱)

ط - از شرارت اسرائيل پردهبرداري مي‌شود (فصل هفتم)

ي - اخطار به جهت آماده بودن براي تهاجم بيگانگان به خاطر بت‌پرستي آنان (فصل هشتم)

ك - پيشگويي اسارت اسرائيل به خاطر شرارتش (۹: ۱ الي ۱۰: ۱۵)

۷. خدا در خشم رحمت را به ياد مي‌آورد (فصول ۱۱-۱۳)

۸. درخواست اسرائيل براي بازگشت و برخوردار شدن از بركات خدا (فصل ۱۴)

## گزارش

### ۱. مطرودشدن قوم توسط سه فرزند هوشع به تصوير كشیده شده است (۱: ۱-۹)

۱: ۱-۵. خداوند هوشع پسر بنيري را هدايت مي‌كند تا با زني بي‌ايمان ازدواج كند (براي بحث در مورد جنبه اخلاقي شامل اين نوع ازدواج، مراجعه كنيد به معرفي «جايگاه منحصر به فرد رساله هوشع در كانون). آنگاه هوشع با جومر دختر دبلايم ازدواج مي‌كند.

فرزند اول آنها يزرعيل ناميده مي‌شود (يعني خدا پراكنده خواهد ساخت) و اين اشاره‌اي است از نيّت خدا درباره قوم اسرائيل. ارتش آشور اقتدار اسرائيل را در وادي يزرعيل در هم خواهد شكست.

۱: ۶، ۷ فرزند دوم آنها لوروحامه ناميده مي‌شود (يعني بي‌رحم) و اين نشانه‌اي است مبني بر اينكه اسرائيل بار ديگر مورد رحمت قرار نخواهد گرفت و به اسارت خواهد رفت، در حالي كه يهوديه از حمله آشور مصون خواهد ماند.

۱: ۸، ۹ فرزند سوم لوعمي ناميده مي‌شود (مردم غيرخدا). خدا بار ديگر اسرائيل را به عنوان مردم خود نخواهد شناخت. برخي را نيز عقیده بر اينست كه نبي در اينكه لوعمي فرزند خودش بوده است، شك داشته است.

### ۲. وعده احياء بني اسرائيل (۱: ۱-۲)

۱۰: ۱، ۱۱ ولي اين تنبيه و داوري براي اسرائيل موقتي بود. خدا دوباره اسرائيل و يهودا را به عنوان قوم خودش يكي خواهد نمود. اين تحول در هنگام رجعت دوباره مسيح صورت مي‌گيرد.

در این بخش، قسمت دوم آیه دهم به روشنی در مورد اسرائیل است. ولی پولس رسول در رساله به رومیان فصل نهم آیه ۲۶ این آیه را نقل قول کرده است و آن را منتسب به دعوت غیریهودیان می‌داند. این تفسیر مبین این حقیقت است که وقتی روح القدس آیات عهد عتیق را در عهد جدید نقل قول می‌کند به قانون خودش عمل می‌کند.

۱:۲ در فصل دوم به هوشع فرمان داده می‌شود با قومی که ایماندار باقی مانده‌اند، صحبت کند. از این برادران و خواهران در عبارت **عَمِي** (مردم من) و **روحامه** (کسی که رحمت را به دست آورده است) یاد می‌شود.

### ۳. **اخطار خدا بر علیه بی‌ایمانی قوم اسرائیل و داوری اش (۲: ۱۳-۲)**

۲:۲، ۳ ایمانداران باقی مانده می‌بایست با قوم بی‌ایمان اسرائیل صحبت کنند تا دست از بت‌پرستی و زناکاری خود بردارند، در غیر این صورت **خدا رخت او را کنده** و او را برهنه خواهد کرد.

۴:۲، ۵ **پسران قوم گناهکار** نیز از رحمت خدا محروم خواهند شد چونکه **فرزندان زنا** می‌باشند و پیرو خدایان دروغین هستند و این خدایان را به تصور اینکه منابع غذا و لباس و خوش‌گذرانی‌هایشان می‌باشند، ارج می‌نهند.

۶:۲، ۷ خدا انواع موانع و سدها را در سر راهش قرار خواهد داد و رابطه او را با بت‌هایش خواهد گسست تا مادامی که تصمیم به بازگشت به سوی خدا (همسر اولش) بگیرد.

۸:۲ او **نمی‌داند** که خدا منبع نیازهای او از جمله **طلا و نقره‌ای** می‌باشد که آنها را به پای بعل می‌ریخت.

۹:۲، ۱۰ بنابراین خدا غذا و لباس را از او دریغ خواهد داشت و او را تماماً در نظر عاشقانش **منکشف خواهد ساخت**.

۱۱-۱۳ **شادی‌ها** و عیدها و ایام مذهبی او را منسوخ خواهد ساخت و **موها و انجیرهایش** را (که فکر می‌کرد هدیه‌ای است که عاشقانش به او داده‌اند) نابود خواهد ساخت و او به تعداد روزهایی که در خدمت بعل بوده است مجازات خواهد شد.

### ۴. **پیش‌گویی اسرائیل متبارک در آینده (۲: ۱۴-۲۳)**

۱۴-۱۷ سپس خدا اسرائیل را احیاء و تسلی خواهد داد. خدا **تاکستانهایش** را به او خواهد داد و او مانند روز بیرون آمدنش از مصر خواهد سرانید. در آن روز اسرائیل خدا را **ایشی** (یعنی شوهر من)

خواهد نامید، نه بَعْلِي (ارباب من). مردم دست از پرستش بعل برخواهند داشت تا آنجا که نام‌های بَعْل را از یاد خواهند برد.

۲: ۱۸-۲۰ در سایه عهد خدا با حیوانات صحرا و مرغان هوا و حشرات زمین و تسلیم نمودن تمام حیوانات مضر، اسرائیل در امنیت و صلح خواهد زیست. جنگ‌ها نیز پایان خواهند یافت. آنگاه اسرائیل برای همیشه تحت لوای عدالت و انصاف و رأفت و رحمت نامزد خدا خواهد بود.

۲: ۲۱-۲۳ در آن روز یزرعیل (اسرائیل) دیگر پریشان نخواهد بود، بلکه کاشته شده در زمین. خدا مردم خود را در زمین خود خواهند کاشت، آسمان و زمین برای بهرموری و متبارک ساختن آنان با هم خواهند پیوست و آنها را سرشار خواهند نمود.

تعریف جالب ویلیامز (Williams) از این بخش چنین است:

یزرعیل (اسرائیل) به عنوان کاشته شده در زمین خدا (آیه ۲۳) طالب ذرت، انگور و روغن برای تدارک نیازهایش خواهد بود. آنها از زمین خواهند طلبید که بارور شود؛ زمین از آسمان باران را خواهد خواست تا محصول دهد، و آسمانها از یهوه خواهند خواست تا آنها را از آب سرشار نماید، چونکه خدا علت اول است! خدا به درخواست آسمانها، آنها را با رطوبت خواهد انباشت، و آسمانها نیز آبهای خود را بر زمین خواهند بارانید و زمین بارور خواهد شد و ثمر خواهد داد و در نتیجه، ذرت، انگور، زیتون ثمر خواهد داد و اسرائیل محصولات فراوان خواهد داشت و آسمان و زمین در حلقه‌های از محبت دست به دست یکدیگر می‌نهند. آنگاه خدا بر اسرائیل رحمت خواهد آورد و اسرائیل را به عنوان مردم خود خواهد نامید و اسرائیل او را به عنوان خدای خود خواهند شناخت.

## ۵. آمرزش همسر هوشع، نماد بازگشت نهایی به سوی یهوه (فصل سوم)

۳: ۱-۳ سپس خداوند به هوشع فرمان داد به بازار برود و همسر بی‌ایمان خود را از ایمانش باز خرد. او برای بازخرید همسرش از بازار برده‌فروشان پانزده مثقال نقره و یک جومر و نصف جومر جو می‌پردازد و آن زن دیگر مجاز نخواهد بود برای روزهای بسیار از آن دیگری باشد. این تصویری است از گذشته، حال و آینده قوم اسرائیل. آن زن وقتی به یهوه ایمان نداشت به دنبال معشوق‌های دیگری (بت‌ها) روان بود، ولی خدا او را به سوی خود باز آورد.

۳: ۴، ۵ وضعیت کنونی قوم در آیه ۴ آمده است. بدون پادشاه، بدون رئیس (یا خانواده شاهی)، بدون قربانی، بدون تمثال (بت)، بدون ایفود (نماد کهنانت لایوی) و بدون ترافیم (خدایان خانگی). وضعیت آینده اسرائیل در آیه پنجم آمده است - اسرائیل به سوی خداوند بازگشت نموده و او را محبت نموده و با ترس و هیبت به او ایمان خواهند آورد.

## ۶. تضاد خدا با مردمش (فصول ۴-۱۰)

الف - گناه مردم (۴: ۱-۵)

۳-۱:۴ خدا اسرائیل را به خاطر بی‌ایمانیشان و نامهربانیشان و عدم صداقتشان و دروغ‌گویی، قتل، دزدی، زناکاری و خونریزی، به محاکمه می‌کشد. پنج فرمان از مجموع ده فرمان در آیه دوم خلاصه شده است. سرپیچی از این فرامین سبب ماتم زمین بوده‌اند. حتی حیات وحش به خاطر این دآوری کاهیده می‌شوند.

۶-۴:۴ هم کاهن و هم نبی به دلیل عدم شناختشان کور می‌باشند. مردم خدا به خاطر عدم آگاهی‌شان تباه شدند، چونکه شریعت خدایشان را فراموش کرده بودند.

#### ب - گناه کاهنان (۱۱-۷:۴)

هر چه بیشتر مردم افزوده شدند، بیشتر گناه کردند. هر چقدر که گناه افزوده شد کاهنان دم نزدند. بنابراین آنها نیز مانند دیگر مردمان فاسد شدند و مجازات آنها عبارت خواهد بود از بردگی‌شان به زنا و شراب و شیره در این سه فقره افراط خواهند کرد، ولی سیر نخواهند شد.

#### ج - بت پرستی مردم (۱۴-۱۲:۴)

سپس به تشریح بت‌پرستی مردم پرداخته می‌شود. آنها از بت‌های چوبی راهنمایی می‌خواهند. آنها در معابد کوهستانی و در سایه درختان عبادت خواهند کرد. مردان نمونه‌ای برقرار می‌کنند و زنان نیز متابعت می‌کنند.

#### د - درخواست خاص از یهودا (۱۹-۱۵:۴)

به یهودا اخطار می‌شود که الگویی شریر اسرائیل را پیروی نکند. اسرائیل گردنکش است و از بت‌های خود دست نمی‌کشد و شرم را بیشتر از جلال دوست دارد. در ترجمه RSV آیه ۱۶ چنین است: «اسرائیل مثل گاو سرکش است، آیا خدا می‌تواند اینک آن را چون بره در مرتع وسیع بچراند؟»

#### ح - رفتار شریرانه کاهنان، مردم و خانواده سلطنتی (۷-۱:۵)

کاهنان، مردم و پادشاه، همگی مجرم به بت‌پرستی‌اند و اسرائیل نجس شده است. افرایم زنا کرده است. هم اسرائیل و هم یهودا به خاطر خطاهایشان تنبیه خواهند شد چونکه به خداوند خیانت ورزیده‌اند. آنها گوسفندان و گاوان برای خداوند می‌آورند، اما او را نخواهند یافت.

#### و - دآوری موعود اسرائیل و یهودا و نیت خدا مبنی بر منتظر ماندن برای بازگشت آنان (۱۵-۸:۵)

۱۲-۸:۵ سابقه تاریخی این بخش در کتاب دوم پادشاهان فصل ۱۶ آمده است. اسرائیل (افرایم) و آرام (سوریه) بر یهودا هجوم آورده بودند. یهودا با کمک آشوریان هجوم آنها را دفع نموده بود. با عبارت «در جبعه کرنا و در رامه سرنا بنوازید و در بیت اَوَن صدا بزنید» (آیه هشتم) به سه شهر بنیامین اخطار داده



شده که برای مجازات آماده باشند. خدا برای اسرائیل مثل بید خواهد شد، و برای خاندان یهودا، مانند پوسیدگی.

۵: ۱۳-۱۵ چون افرایم بیماری خود را دید، از آشور کمک طلبید. ولی درمان نشد چونکه آشوریان توسط یهودا اجیر شده بودند (و وسیله‌ای در دست خدا بودند) تا بر علیه او بجنگند. خدا عزم نمود که به مکان خود روانه شود و برای اسرائیل و یهودا منتظر بماند تا به گناهان خود اقرار و روی او را بطلبند.

### ز - درخواست از اسرائیل برای توبه (۳: ۱-۶)

آیات ۱ تا ۳ شامل واکنش اسرائیل به دعوت خدا به توبه است (۵: ۱۵). در نظر اول توبه‌شان قلبی و خالص به نظر می‌رسد ولی با بررسی دقیق‌تری می‌بینیم که مخصوصاً به هیچ گناهی اعتراف نشده است. توبه آنها پوچ و ریائی است علت آن هم را می‌توان در تداوم سرزنش خداوند در بقیه این فصل خواند. توبه واقعی تا آخرین فصل این رساله صورت نخواهد گرفت. در آن فصل است که می‌خوانیم قوم اسرائیل دست از بت‌پرستی برداشته و نیاز خود را به فیض خداوند، اعلام می‌دارد.

آیه دوم شاید شامل اشاره‌ای به رستاخیز مسیح باشد که بعد از دو روز و در روز سوم اتفاق افتاد. اگر چنین باشد رستاخیز قومی بنی‌اسرائیل براساس رستاخیز مسیح مستقر و اخبار شده است. و یا شاید اشاره به دو روز آخر روزهای دوره عذاب باشد - تو به اسرائیل و عزا و ماتم او در دو روز اول. سپس قوم در روز سوم از نو متولد می‌شود و مسیحا ظهور می‌کند.

### ح - گناهکاری اسرائیل و یهودا (۱۱: ۴-۶)

۴: ۶-۴ چونکه اسرائیل و یهودا بی‌ایمان بودند خدا بوسیله انبیاء ایشان را محکوم کرد، خدا رحمت را می‌خواست نه قربانی را و معرفت خود را بیشتر از قربانی‌های سوختنی.

۶: ۷-۱۱ اما ایشان مثل آدم از عهد تجاوز نمودند. شرارت اسرائیل در آیات ۷-۱۰ در عبارات شهر گناهکاران و رهنان و جمعیت کاهنان به تصویر کشیده شده است. یهودا را نیز حصادی مقرر شد برای اسری (آیه ۱۱) قیل از آنکه خدا قوم خود را احیاء نماید (برخی را عقیده بر اینست که کلمه درو (حصاد) در اینجا، حاکی از برکت است، نه مجازات).

### ط - از شرارت‌های اسرائیل پرده‌برداری می‌شود (فصل هفتم)

۷: ۱-۷ تباهی و فساد افرایم بزرگ بود، از جمله فریبکاری، دزدی، دروغ‌گویی، اعمال شریرانه، زناکاری و مستی. مردم و پادشاهان در شهوات خود غرق بودند.

۸:۷-۱۰ آنها با بیگانگان مخلوط شده ماهیت وجودی خود را آلودند و به اخطارها گوش نسپردند. استعاره تبدیل شدن افرایم به قرص نان برگردانیده نشده، نشانه عدم تعادل است. قرص نانی که یکطرفش بیش از حد سوخته و طرف دیگرش خمیر است. کوتاه کلام اینکه افرایم به کلی از بین رفته است.

۷:۱۱، ۱۲ افرایم مانند کبوتر ساده دل، برای کمک دست نیاز به سوی مصر و آشور دراز می‌کند ولی خدا این کبوتر را در دام خود می‌افکند و مردم را مجازات می‌کند.

۷:۱۳، ۱۴ آنها از خدا فرار کردند و توبه واقعی را از خودشان نکردند. آنها از دل خود به خدا استغاثه نکردند. اشکی که از دیدگانشان جاری شد نه اشک ندامت بلکه زوزه دردناک حیوانی زخمی بود.

۷:۱۵، ۱۶ خداوند راه پیروزی را به آنها از طریق تعلیم و تقویت آموخته بود، با این وجود آنها متوکل به بت‌های خود بودند، بنابراین محکوم به شکست و استهزاء بودند.

### ی - اخطار به جهت آماده بودن برای تهاجم بیگانگان به خاطر بت‌پرستی آنان (فصل هشتم)

۸:۱-۳ مهاجمان آشوری همانند یک عقاب یا لاشخور به فراز اسرائیل پرواز می‌کنند. مرم شریعت خدا را نقض کرده‌اند، بنابراین مجازات آنها نزدیک شده است. هر چند آنها اقرار به شناخت خدا کرده بودند، ولی به او پشت کرده بودند.

۸:۴-۶ تقسیم مملکت به دو بخش اسرائیل و یهودا، نه خواست خدا بلکه اراده مردم بود. بت‌پرستی مردم موجب افروخته شدن خشم خدا شد. خدا می‌پرسد: «تا به کی نمی‌توانند ظاهر شوند؟» یا به عبارتی امروزی‌تر «چه وقت یاد می‌گیرند؟»

۸:۷-۱۰ محصولاتشان نابود خواهد شد و قوم در میان امتهای پراکنده خواهد شد. چونکه افرایم از آشوریان و متحدین او در میان امتهای کمک طلبید، خدا او را تنبیه خواهد نمود. و این تنبیه با این عبارت بیان شده که «رو به تناقض خواهند نهاد» (یا شروع به کاهش می‌کنند).

۸:۱۱-۱۴ بت‌پرستی اسرائیل و اتکاء یهودا به شهرهای حصاردار بسیار موجب نابودی آنها خواهد شد.

### ک - پیشگویی اسارت اسرائیل به خاطر شرارتش (۹:۱ الی ۱۰:۱۵)

۹:۱، ۲ اسرائیل نباید شادی نماید. بت‌هایشان محصولات فراوان مورد انتظار اسرائیل را به او نخواهد داد. بت‌پرستی زناهی روحانی است. فرانسیس شافر (Francis Shaeffer) توضیح می‌دهد، توجه داشته باشید به سبک گفتگویی که خدا به کار برده است:

اسرائیل به منزله زنی است که دستی در برداشت محصول ندارد. در اوج درو نوعی آزادی حکمفرما است. او از مردی که در اوج درو با او در مزرعه ذرت خوابیده بود، هدیه خود را می‌گیرد. اینست وضعیت کسانی که مردم خدا بودند. همسر خدای زنده در ارتداد خود چنین است.

۳:۹، ۴ مردم به خاطر بت‌پرستیشان به اسارت خواهند رفت. این بار نه در مصر بلکه در آشور همانند ایامی که در مصر اسیر بودند، عبادتشان آمیخته‌ای از بت‌پرستی و ستایش یهوه است که نه یهوه را خوشنود می‌کند و نه خودشان را.

۹:۵-۹ آنها برای مشاهده ضیافت معهود، در زمینشان نخواهند بود، بلکه به اسارت رفته‌اند. مکان‌های افرایم به جای حضور ایشان به تسخیر گزنده‌ها و خارها در خواهد آمد. تبعید نزدیک بود، آنچنان که نابودی انبیاء دروغین.

۱۰:۱۷-۱۷ در آغاز اسرائیل مانند نوبرانجیر بود. ولی این نوبرانجیر به دامن بت‌پرستی لغزید و بنابراین مقرر شد برای سوختن و بی‌اولاد شدن. جمعیت مردان به شدت کاهش خواهد یافت. چونکه اسرائیل جلال خود را تبدیل به نفرت نمود. به افرایم اخطار شد - که «زائیدن و حامله‌شدن و در رحم قرار گرفتن» دیگر نخواهد بود.

۱۰:۱، ۲ اسرائیل زمانی موبرومند بود ولی اینک پوچ شده است، چونکه پیشرفت‌های خود را صرف افزایش در بت‌پرستیش نموده است. اینک خدا فکر آنها را آشفته است و آنها را در جرم‌هایشان رها کرده است تا دل ایشان پر از نفاق شود.

۱۰:۳، ۴ مردم نیاز خود را به خدا یا یک پادشاه انکار می‌کنند. در اینجا است که متوجه عمق سقوط آنها می‌شویم. بنی‌اسرائیل در اصل و در کوه سینا خود را در اختیار قانون خدا که از طریق موسی و هارون اجرا می‌شد، نهاده بودند. و سپس سالها بعد به دامن ارتداد افتادند، سرانجام به نقطه‌ای رسیدند که حتی حاکمیت یک پادشاه را بر خود رد کردند.

پیشرفت در موت روحانی بنی‌اسرائیل در عصیان‌های پی‌درپی‌شان در مقابل انواع حکومت‌ها، نشان داده شده است: (۱) خدا (یزدان سالاری)؛ (۲) موسی (رسول - قانونگذار)؛ (۳) یوشع (رهبر روحانی، نظامی)؛ (۴) داوران (حکومت شرعی)؛ (۵) پادشاهان (رژیم‌های سلطنتی)؛ (۶) رژیم‌های غیرسلطنتی (هرج و مرج - بدون هیئت حاکمه). آنها با سوگندهای پوچ عهد بستند؛ بنابراین عدالت مثل حنظل زمین را خواهد پوشانید.

۱۰:۵-۸ گوساله طلایی بیت اَوَن به آشور حمل خواهد شد و به پادشاه دشمن اهداء خواهد شد. عبارات سرزنش‌آمیز خدا که می‌گوید «قوم برای آن (گوساله) ماتم می‌گیرند و کاهنان قوم ... بر خود می‌لرزند زیرا که از (جلال گوساله) دور شده‌اند»، حاکی از اینست که مردم به جای دوست داشتن خدایشان که آنها را بارها نجات داده بود، عاشق گوساله طلایشان بودند. تعجبی نیست که خدا قصد مجازات آنها را داشت! پادشاه سامره نابود خواهد شد، معابد بت‌ها ویران خواهد شد و مردم کوه‌ها را و تله‌ها را ندا خواهند داد که بر آنها بیفتند.

۱۰:۹، ۱۰ تمامی قبایل اسرائیل در **جبعه** برای مجازات قبیله بنیامین به خاطر گناهی که مرتکب شده بودند، متحد شدند (داوران فصل بیستم)، ولی از آن زمان به بعد تاریخ اسرائیل مشحون از گناه بود. اینک خدا هم برای تأدیب مردمی که در گناه متحد شده‌اند، قبایل دیگر را به کار خواهد گرفت.

۱۱:۱۰ **افرایم** زمانی **گوساله آموخته شده** بود، انتخاب شده برای خرمن‌کوبی، ولی اینک یوغ اسارت بر او نهاده خواهد شد، و **یهودا** نیز به اعمال شاقه واداشته خواهد شد.

۱۵:۱۲-۱۲:۱۰ تنها امید رهایی بنی‌اسرائیل توبه و **طلب خداوند** خواهد بود. اما اسرائیل می‌بایست میوه گناهان خود را درو کند. زمین در جنگ غوطه‌ور خواهد شد. **تمامی حلقه‌هایشان خراب** خواهد شد. سامره ویران خواهد شد و پادشاه کشته خواهد گردید. **شلمان** (آیه ۱۴) همان شلمان سوم است، هر چند عده‌ای این نام را اشاره به پادشاه موآب، شلمانسر می‌پندارند.

## VII- **خدا در خشم خود رحمت را به یاد می‌آورد (فصول ۱۱-۱۳)**

تشخیص سخن گویان در چهار فصل بعد کتاب هوشع بسیار مفید است - خواه خداوند سخن گفته باشد، خواه هوشع.

- خداوند سخن می‌گوید: ۱:۱۱ الی ۱:۱۲
- هوشع سخن می‌گوید: ۶-۲:۱۲
- خداوند سخن می‌گوید: ۱۱-۷:۱۲
- هوشع سخن می‌گوید: ۱۲:۱۲ الی ۱:۱۳
- خداوند سخن می‌گوید: ۱۴-۲:۱۳
- هوشع سخن می‌گوید: ۱۵:۱۳ الی ۳:۱۴
- خداوند سخن می‌گوید: ۸-۴:۱۴

۴-۱:۱۱ در باب محبت است و خدا اسرائیل را از مصر **می‌خواند** (خروج فصل ۱۲). (همچنین متناسب است با عیسی خداوند در متی ۲:۱۵)، هر چقدر که خدا بیشتر اسرائیل را **خواند**، اسرائیل بیشتر به دنبال بت‌ها رفت. خدا با نرمش و مهربانی با **افرایم** رفتار کرد، اما **ایشان (اسرائیل) ندانستند** که خداوند آنها را **شفا** داده است.

۸-۵:۱۱ بنی‌اسرائیل یا مردم خدا به خاطر پشت نمودنشان به خدا دیگر به مصر باز نخواهند گشت، بلکه به آشور تبعید خواهند شد. وقتی خدا به ترک نمودن قوم خود می‌اندیشد، وقتی خدا می‌اندیشد اسرائیل چون **آدمه و صبوئیم** خواهد شد، دلش **منقلب** می‌شود.

۱۲-۹:۱۱ این آیات اشاره به آینده می‌باشند. خدا در نظر دارد قوم خود را متبارک سازد، و بار دیگر **افرایم را هلاک نخواهد نمود**. مراد اینست که در آن هنگام که اسرائیل پر بود از **دروغ‌ها و مکرها، یهودا**

هنوز در زمان هوشع متوکل به خداوند بود. و شاید معنی آن اینست که یهودا در سرکشی خود مانند اسرائیل بود.

۱۲:۱، ۲ افرایم از باد تغذیه می‌کرد با این حس که او متوکل شده بود به **عهدهایی** که با آشوریان و مصر بسته بود. خدا بحثی با یهودا دارد. و هر چند گناه افرایم بزرگتر بود، خدا می‌بایست **یعقوب** را عقوبت رساند.

۱۲:۳ در اینجا پدر شاهی یعقوب مورد نظر است. هر چند در بعضی قسمت‌ها یعقوب مورد بی‌مهری قرار گرفته، ولی در اینجا نمونه‌ای است از کسی که از طریق برگشت به سوی خدا پیروز شده است.

۱۲:۴-۶ فرشته در آیه چهارم به صورت **خدای لشگرها** در آیه پنجم شناخته می‌شود. او همانی است که به صورت فرشته خداوند به هاجر (پیدایش ۱۶:۷-۱۱)؛ و به ابراهیم (پیدایش ۱۸:۱-۳۳؛ ۲۲:۱۱، ۱۵، ۱۶) و یعقوب (پیدایش ۳۱:۱۱-۱۳؛ ۴۸:۱۶) آشکار شد. همچنین رجوع کنید به خروج ۲:۳، ۶-۱۵ و اعداد ۲۲:۲۲-۳۵. پروتستان‌ها عموماً بر این باورند که این فرشته شخصیت دوم تثلیث قبل از تجسم است. خداوند به افرایم می‌فرماید با توکل به قدرت خدا و نه بر قدرت خود از یعقوب تقلید نماید (ر. ک پیدایش ۳۲:۱۸).

۱۲:۷، ۸ اما افرایم **یک سوداگر** شیاد و متکبر است که خود را مصون از تفتیش می‌داند.

۱۲:۹ خداوند به افرایم یادآوری می‌کند که آنچه او دارد از آن خداوند است که او را از **مصر** بیرون آورده است و اگر او مطیع باشد، بار دیگر او را مثل **ایام مواسم** (جشن‌ها) در **خیمه‌ها ساکن** خواهد گردانید.

۱۲:۱۰-۱۲ خداوند قبلاً بارها و بارها با **انبیاء تکلم** نموده بود، ولی بیهوده بود. **جلعاد و جلجال**، در بخش حکومت شمالی از طریق جردن تقسیم شدند و به خاطر بت‌پرستی‌شان، ثمری نخواهند آورد. **یعقوب** نیای قوم به سرزمین آرام فرار کرد و اسرائیل هم در بین‌النهرین به خدمت حقیر **شبانی** پرداخت.

۱۲:۱۳ اما خدا با فیض خود نیاکان او را از بردگی توسط موسای پیامبر از **مصر** برآورد.

۱۲:۱۴ افرایم با بی‌فکری خود و بت‌پرستی خود خشم خدا را برانگیخت و خداوند خون او را بر سرش واگذاشت و عار او را بروی رد نمود.

۱۳:۱ به خاطر تداوم بت‌پرستی، افرایم هنگام سخن گفتن خود را در اسرائیل برافراشت، ولی وقتی **بعل** را عبادت نمود، مرد.

۱۳:۲، ۳ الان مردم هر چه بیشتر در بت‌پرستی غرق شده‌اند. آنها از مردم می‌خواهند گوساله‌ها را ببوسند، به خاطر این کارشان آنها مانند ابرهای صبح و یا شب‌نم ناپایدار، خواهند بود. آنها مانند خرمن کاه و دود روزن بر باد خواهند رفت.

۱۳:۴-۸ این خداوند بود که آنها را از بندگی در مصر رها کرد و در بیابان توشه آنها را تأمین کرد. ولی آنها خداوند را فراموش کردند و به سوی بت‌ها برگشتند. اینک خدا هم مانند شیر و پلنگ و خرس آنها را خواهد درید.

۱۳:۹-۱۳ وقتی خداوند چنین می‌کند چه کسی آنها را خواهد رها کند؟ افرایم در بند گناهش برای داور محفوف است و درد زه (درد زایمان) بروی آمده است، ولی در وقت تولد فرزندانش حضور نخواهد داشت. این بدین معنی است که علیرغم مجازات‌های خدا، افرایم توبه نکرده است.

۱۳:۱۴ در ترجمه RSV بخش اول این آیه سؤالی است: «آیا ایشان را از دست هاویه فدیه خواهم داد؟ و ایشان را از موت نجات خواهم بخشید؟ پاسخ مناسب این دو سؤال، «خیر» است. به جای آن خدا موت و هاویه را به خاطر هلاکت آنان فرا خواهد خواند، چونکه پشیمانی از چشمانش مستور شده است (این آیه با حسی متفاوت در اول قرن‌تبیان ۱۵: ۵۵ نقل قول شده است).

۱۳:۱۵، ۱۶ هلاکت وحشتناک اسرائیل و سامره توسط آشوریان شریب («باد شرقی») اینک پیشگوئی شده است.

## ۸. درخواست اسرائیل برای بازگشت و برخوردار شدن از برکات خدا (فصل ۱۴)

۱۴:۱-۳ اینک اسرائیل دعوت به توبه شده است و حتی سخنان لازمه برای اعتراف آینده در اختیار او نهاده شده است. توکل به آشور، و اعتماد به اسبان مصر و بت‌پرستی گناه می‌باشند و اعلام خواهد نمود که خدا تنها امید اوست.

۱۴:۴-۷ خداوند با بیانی عالی و شعرگونه وعده سلامتی، دوستی، تازگی، جذابیت، بازآفرینی و رشد را به اسرائیل، می‌دهد.

۱۴:۸ در آیه هشتم خداوند هنوز سخن می‌گوید. او می‌خواهد بت‌پرستی مردم خود را به امری موکول به گذشته بنماید و به آنها یادآوری می‌کند که حافظ و نگهدارنده آنها است.

۱۴:۹ هوشع نبی نبوت خود را با تأکید بر اینکه حکمت و احتیاط در اطاعت از طریق‌های خداوند نهفته است به پایان می‌برد.